



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

فرقہ انحرافی  
ابتکاری

بہائیت

..... محمود قوچانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# فرقه انحرافی ابتکاری بهائیت

نویسنده:

محمود قوچانی

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	فرقه انحرافی ابتکاری بهائیت
۶	مشخصات کتاب
۶	فرقه انحرافی ابتکاری بهائیت
۸	پاورقی
۸	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فرقه انحرافی ابتکاری بهائیت

### مشخصات کتاب

مؤلف: محمود قوچانی

### فرقه انحرافی ابتکاری بهائیت

بهائیت که یک آیین دست ساز و کاملاً مرتبط با استعمارگرانی از قبیل انگلستان و آمریکا است، در آغاز فعالیت خود را در ایران آغاز کرد. اوج فعالیت این فرقه انحرافی را باید در دوران سلطنت مظفرالدین شاه قاجار دانست، که پس از آن در دوره سلطنت احمدشاه، رضاخان و نیز دوره دوم محمدرضا، بهائیان در ایران بسط و سلطه بیشتری یافتند و توانستند برای این آیین انحرافی پیروان بیشتری پیدا کنند. درباره تحلیل شکل گیری این آیین انحرافی و علل قوت یافتن آن در ابتدای دوره ادعای بابی گری، نظرات متفاوتی ارائه شده است که در ذیل به چند مورد آنها اشاره می شود. نظر اول، معتقد است که هر چند بهائی گری و بابی گری انحرافی نابخشودنی و تحریفی اساسی در آموزه های دینی مسلمانان محسوب می شود، اما به دلیل ویژگی های شخصیتی علی محمد شیرازی که ادعای بابی گری را آغاز کرد و مخبط و معلول بودن وی از لحاظ ذهنی، نباید این پدیده را در آغاز ادعای بابی گری یک توطئه و دسیسه دانست. آنچه مسلم است، بعدها این شخص و ادعای بیمارگونه وی از سوی کانون های استعماری و استعمارگران انگلیسی و آمریکایی مورد استفاده قرار گرفت و آنها در جهت اهداف استعماری خویش و برای از میان بردن اسلام و قدرت علمای واقعی آن به پشتیبانی از این فرقه ضاله دست زدند. بر این مبنای بهائی گری در ابتدای تشکیل یک مالیخولیای شخصی پنداشته می شود که در مرحله بقا و بسط از سوی استعمارگران مورد استفاده قرار گرفته است. بدین ترتیب، بابت و بهائیت در مرحله ایجاد و نشأت گرفتن محصول کار غرب و بخصوص استعمارگران زر سالار پنداشته نمی شود، اما در مرحله بقا و بسط کاملاً وابسته به آنها بوده است. این گروه برای مستدل کردن فرضیه خویش به سابقه زندگی علی محمد شیرازی استناد می کنند، که یک جوان مخبط، با آگاهی های مذهبی اندک و گاه بیمارگونه بوده است و ادعای بابت و دیگر ادعاهای بعدی او را می توان به همین تفکر مالیخولیایی وی منتسب دانست. نظر دیگری که در این زمینه مطرح است، این است که فرقه ضاله بابت و بهائیت نه تنها در ابقا و بسط، بلکه در ایجاد و شکل گیری اولیه و حتی در آغاز دعوی بابت از سوی علی محمد شیرازی، یک فعالیت استعماری و برنامه ریزی شده از سوی زرسالاران و استعمارگرانی بوده است، که خواهان هدم اسلام و برداشتن این مانع از سر راه منافع خویش بوده اند. این نظر قطعاً در بخش ابقا و بسط با نظر اول مشترک است و تلاشهای استعمارگران و وابستگان به آنها و دست نشاندهگان ایشان را در کمک به بسط نفوذ و قدرت یافتن بهائیان منکر نمی شود، اما معتقد است دعوی اولیه بابت و شکل گیری ابتدایی این فرقه ضاله نیز با تلاش و برنامه ریزی ایادی استعمار و کانون های استعماری شکل گرفته است. به نوشته یکی از محققان این زمینه: «برخلاف نظر مورخینی چون احمد کسروی و فریدون آدمیت که بابی گری اولیه را جنبشی خود جوش و نا وابسته به قدرت های استعماری می دانند (و علی رغم بدبین بودن نسبت به این فرقه نفوذ استعمار در این فرقه را از زمان انشعاب بابی گری به دو فرقه ازلی و بهایی می دانند)، پژوهش من بر پیوندهای اولیه علی محمد باب و پیروان او با کانون های معینی تاکید دارد که شبکه ای از خاندان های قدرتمند و ثروتمند یهودی در زمره شرکای اصلی آن بودند. این تصویر بابی گری را از اساس و از بدو پیدایش فرقه ای مشابه با دونمدهای ترکیه و فرانکیست های اروپای شرقی جلوه گر می سازد.» [۱]. طرفداران این نظر دوم استدلال هایی را برای این نظر خویش بیان می کنند، از جمله این که برخلاف نظر اول که علی محمد باب را یک جوان مخبط که دارای شعور دینی بالایی نبوده است و از عالم سیاست و زیر و بالای آن نیز اطلاع چندانی نداشته می دانند و معتقدند که صرفاً براساس یک توهم

مالیخولیایی وی دست به این ادعا و تشکیل این فرقه زده است، گروه دوم معتقدند که علی محمد باب اصولاً تحت تاثیر فعالیتهای کانون های قدرتمند یهودی به این ادعا دست زد. شاهد اینان بر این مدعا این است که علی محمد شیرازی، مدتی پیش از ادعای باطل خویش به مدت ۵ سال در بوشهر و در یک تجارتخانه کاملاً مرتبط با کمپانی های یهودی و انگلیسی کار می کرده است و این استعمارگران یهودی و انگلیسی او را در همان زمان شناسایی کرده بودند و چون وی را برای پیشبرد اهداف خویش مفید و کارا می دانستند، در جهت ادعای مذکور سوقش دادند و به عبارت بهتر، این کانون های استعماری بودند که استعداد علی محمد را برای ایجاد یک فرقه انحرافی تشخیص دادند و او را بر انجام این کار تحریض کردند. این که کدامیک از این دو تحلیل و برداشت می تواند بیشتر به واقعیت نزدیک باشد، نیازمند بررسی های دقیق و موشکافانه است. این بررسی خود نیازمند جمع آوری و تدقیق در تمامی ادله دو طرف و سپس ارزیابی هر یک از آن دلایل است؛ اما در یک بررسی اجمالی و اظهار نظر بدوی می توان گفت که نظر گروه دوم بیشتر با واقعیت های تاریخی سازگار است و در ارائه یک تحلیل کلی نسبت به چرایی و چگونگی شکل گیری این آیین انحرافی کارا و کارسازتر به نظر می رسد. در استدلال برای این که چرا نظر دوم را بر نظر اول ترجیح دادیم، به موارد زیر اشاره می کنیم: ۱- اگر برآستی علی محمد باب جوانی بی اطلاع بود که از سر اختلال شعور یا تفکرات مالیخولیایی دست به چنین ادعای بزرگی زده بود، آیا توقع آن نمی رفت که این ادعای بی مبنا و انحرافی بزودی فراموش شود و این جوان مخبط و ادعای بزرگش همانند هزاران مورد دیگری که در این زمینه همانند او بوده اند به دست فراموشی سپرده شود؟ به نظر می رسد که چنین است، یعنی اگر حمایت های بی دریغ و قدرتمندانه ارباب نفوذ و صاحبان زر نبود، ادعای بابت نه تنها در همان اوان آن با شکست و اضمحلال روبه رو می شد، بلکه یادی از آن هم در خاطره ها باقی نمی ماند، اما کانون های استعماری که از ابتدا او را بر این دعوی باطل تشجیع کردند، با حمایت های فراوان مانع از هدم و حذف این فرقه ضاله شدند. ۲- نکته جالب تری که می توان به آن اشاره کرد، این است که پیروان اولیه باب و پذیرندگان اولیه این ادعای دروغین، گروهی از عوام و جهال مردم نبودند، بلکه برخی اهل سیاست و دقیقاً همان هایی بودند که وابستگی ایشان به قدرت های خارجی و کانون های استعماری برجسته و در طول تاریخ زبازند همگان است. اگر علی محمد شیرازی به عنوان یک جوان مخبط به اتکای خویش و بدون هیچ گونه حمایت خارجی دست به این ادعا زده بود، توقع می رفت که این ادعا ابتدا در میان جهال و عوام الناس همان منطقه آغاز ادعا فراگیر شود و نیز دوره ای طولانی برای بسط این ادعا در میان دیگر جهال و عوام سپری شود، حال آن که شاهد آن هستیم که پیروان اولیه (که البته در پیرو بودن آنها شک اساسی وجود دارد و در حقیقت باید گفت حامیان اولیه) باب و ادعای او به جای جهال در میان سیاستمداران وابسته به استعمار پیدا می شوند. به تعبیر نویسنده کتاب «ایران در راهیابی فرهنگی» باب نخستین مریدان خود را نه در میان جهال، بلکه در طبقات بالای کشور یافت... حاج میرزا آقاسی که جای خود داشت، باب از او به ستایش یاد می کند و می نویسد «بدیهی است که حاجی به حقیقت آگاه است». [۲]. حمایت های پشت پرده حاج میرزا آقاسی و نیز حمایت های علنی بسیاری دیگر از سیاستمداران وابسته از جمله حاکم وقت اصفهان، آن هم در اولین مراحل آغاز دعوی بابی گری نشان از آن دارد که بابی گری به جای آن که به یک توده نا آگاه که از یک ادعای پوچ حمایت می کنند مستظهر باشد، به یک گروه سیاستمدار وابسته که از کانونی استعماری خط می گیرند مستظهر بوده است و به طور کلی، برای این ادعای بزرگ و همگانی کردن آن برنامه ریزی های قبلی صورت گرفته بوده است. ۳- نکته حایز اهمیت دیگر در این زمینه جدیدالاسلام های یهودی و گرویدن تعداد زیادی از آنها به بابت و بهائیت است. تاریخ معاصر ایران در بررسی ادعای باطل بابت و تشکیل بهائیت حاکی از آن است که تعداد زیادی از جدیدالاسلام های یهودی در همان اوایل کار بابت و بهائیت به این فرقه پیوستند و بدنه اجتماعی این گروه را تقویت نمودند. این امر حاکی از دو نکته است. اول این که بابت در میان مردم چندان جایی نیافته بوده و عوام الناس به آن گرایش چندانی پیدا نکردند. چرا که اگر چنین بود، نیازی به سیاهی لشکر و تهیه طرفداران دروغینی از میان یهودیان نبود و همین امر که یک عده کثیر

از یهودیان گروه گروه اسلام می آورند و بعد هم ادعای طرفداری از باب را می کنند و از میان این همه فرق اسلامی به این فرقه ضاله غیراسلامی معتقد می شوند، حاکی از آن است که بابت در ایجاد بدنه اجتماعی مورد نیاز خود ناتوان بوده است. برآستی اگر ادعای باب یک ادعای ساده و بدون حمایت خارجی بود که از سوی فردی که دچار اختلال شعور شده است صورت می گرفت، آیا باید چنین می شد که حمایت عوام الناس را هم کسب نکند، اما از حمایت سیاستمداران پر قدرتی چون آقاسی بهره مند شود. نکته دومی که از این موضوع می توان برداشت کرد این است که ادعای باب کاملاً مورد حمایت و دست پرورده کانون های زرسالار یهودی صهیونیست بوده است، چرا که آنها با پیدا نشدن طرفداران مردمی برای باب نگران آن شده اند و به یک سری از نیروهای تحت امر خود در میان جامعه یهود ایران دستور تغییر دروغین آیین را داده اند که این یهودیان به دروغ اظهار اسلام و سپس اظهار بهائیت و پذیرش دعوی بابی گری کنند. اگر بابی گری و ادعای علی محمد شیرازی دست ساخته استعمارگران و یهودیان نبود، هرگز در مراحل اولیه این ادعا، چنین از آن حمایت نمی شد و یهودیان با تغییر ظاهری دین خود به حمایت از آن نمی شتافتند به نحوی که به اعتقاد برخی تاریخ دانان «گرویدن وسیع یهودیان به بهایی گری سبب افزایش کمی و کیفی این فرقه و گسترش جدی آن در ایران شد». بنابراین به نظر می رسد که نظر اول در این زمینه صائب تر و به واقع نزدیک تر است. به این ترتیب بهائیت و بابی گری نه تنها در مرحله بسط و ابقا، بلکه در مرحله ایجاد و شکل گیری هم دست ساز کانون های استعماری بوده است.

## پاورقی

- [۱] عبدالله شهبازی، جستارهایی از تاریخ بهایی گری در ایران، ص ۲۱.
- [۲] هما ناطق، ایران در راهیابی فرهنگی، به نقل از شهبازی در جستارهایی از تاریخ بهایی گری.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه



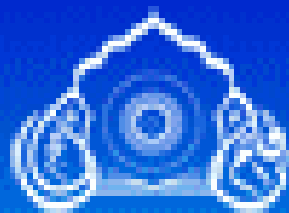


است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

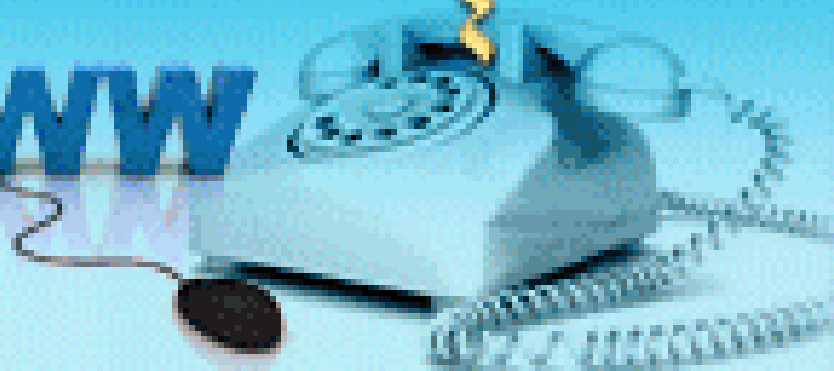


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

